

گنج های قرآن

۸

نقش های قرآنی

نویسنده: دکتر صلاح عبدالفتاح خالدي

مترجم: دکتر محمد زفر اوج ماحدی روی

سر شناسه

عنوان قرار دادي

عنوان و پديد آورنده

مشخصات نشر

مشخصات ظاهري

شابک

وضعيت فهرست نويسي

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزود

رده بندي نشره

رده بندي ديوي

شماره کتابشناسي ملي

: خالدي، صلاح عبدالفتاح.

: لطائف قرآنيه. فارسي

: نکته هاي قرآني / صلاح عبدالفتاح خالدي / محمد
ابراهيم ساعدي رودي.

: مشهد: حافظ ابرو، ۱۳۹۵

: ۲۸۵ص، ۱۴*۲۱س.م.

: ۵ - ۶۰ - ۵۸۳۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

: فيفا.

: قرآن - بررسي و شناخت.

: قرآن - كشف الايات.

: قرآن - استعاره.

: ساعدي رودي، محمد ابراهيم، ۱۳۴۹/مترجم.

: ۱۳۹۵ - ۶۰۴۱ ل ۲خ/۴۵/۴. BP

: ۲۹۷/۱۵

: ۳۶۸۳۹۹۹



مشارت حافظ ابرو

۰۰۱۰۱۲۷۱۲۹۹ - ۰۵۱۵۴۵۳۵۳۱۰

دانش: فلسفه - رشته: فلسفه - گرایش: فلسفه

نکته های قرآنی

: صلاح عبدالفتاح خالدي

: محمد ابراهيم ساعدي رودي

: حافظ ابرو

: اول ۱۳۹۵

: ۲۰۰۰

: رقي ۲۸۵

: ۵ - ۶۰ - ۵۸۳۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

: ۸۵۰۰ تومان

مؤلف

مترجم

ناشر

نوبت چاپ

تيراژ

صفحه

شابک

قيمت

حق چاپ و نشر محفوظ

فهرست مطالب

۴	فهرست مطالب
۱۳	مقدمه
۲۱	دوب‌نویس قرآن
۲۳	«قرآن مبارک است»
۲۶	«علما از آن سیر می‌سوند... شگفتی‌هایش پایان ناپذیر است»
۳۰	«چه چیز مهمی برای آیندگان باقی گذاشتند!»
۳۳	«دروازه‌ی تفسیر بسته می‌شود»
۳۶	«تفسیر فتوحات است»
۳۹	نکته‌های قرآنی
۴۰	«دو اسم برای کتاب خدا: قرآن و کتاب»
۴۱	«حفظ قرآن با خواندن و نوشتن»
۴۲	«خواندن و نوشتن جمع قرآن است»
۴۴	«قرآن» مضاف به کلمه‌ی بعدش
۴۴	«قرآن الفجر... و قرآنهُ...»
۴۵	«قرآن الفجر: خواندن قرآن در فجر»
۴۶	«قرآنهُ: خواندنش»
۴۹	«ترتیب سوره‌هایی که با حروف مقطعه شروع می‌شوند»
۴۹	«حروف مقطعه برای مبارزه طلبی و اعجاز است»
۴۹	«دلایل آن»
۵۰	«ترتیب هدفمند آن سوره‌ها در قرآن»
۵۳	«ترتیب سوره‌هایی که با تسبیح شروع می‌شود»

- ۵۳ «سُبْحَانَ، سُبْحَانَ، سُبْحَانَ»
- ۵۶ «واو ثمانیه در قرآن»
- ۵۶ «منظور از واو ثمانیه»
- ۵۶ «واو ثمانیه در سوره ی توبه»
- ۵۷ «واو ثمانیه در سوره ی تحریم»
- ۵۸ «واو ثمانیه در سوره ی کهف»
- ۶۰ «لام اخلاص»
- ۶۰ «سُبْحَانَ لِلَّهِ»
- ۶۲ «لام تبلیغ»
- ۶۲ «قَالَ لَهُمُ النَّاسُ»
- ۶۴ «هَاء رفعت»
- ۶۴ «عَلَيْهِ اللَّهُ»
- ۶۵ «روند آیات در مورد بیعت الرضوان است»
- ۶۶ «انعکاس فضا بر حرکت هاء»
- ۶۸ «هَاء خفض»
- ۶۸ «فِيهِ مُهَانًا»
- ۶۹ «مد هاء برای مناسبت سیاق و روند گفتار»
- ۷۱ «تاء خفت»
- ۷۱ «تَسْتَطِيع... تَسْتَطِيع»
- ۷۳ «آوردن تاء متناسب با سنگینی روانی»
- ۷۴ «حذف آن متناسب با از بین رفتن سنگینی روانی می‌باشد.»
- ۷۵ «تاء خفت»
- ۷۵ «اسْطَاعُوا... اسْطَاعُوا»
- ۷۷ «حذف تاء برای مناسبت در سبکی بالا رفتن»

- ۷۸ «آوردن تاء به خاطر مناسبت با سخی حفر کردن»
- ۸۰ «ألف عزت: العباد»
- ۸۲ «یاء ذلت: العیید»
- ۸۲ «عیید در قرآن: کافران هستند»
- ۸۵ «عیید متناسب به ذلت کفار»
- ۸۷ «مِیت و مِیت»
- ۸۷ «تَران در قرآن نیست»
- ۸۸ «الْمَیْتُ کسی است که در او روح باشد»
- ۸۹ «الْمِیْتُ کسی است که جش خارج شده است»
- ۹۱ «کافر مِیْتُ الْقَلْب است»
- ۹۲ «دلالت حرکات الف و کلمه بر معنی»
- ۹۳ «مِضر... و... مِضرأ»
- ۹۳ «مِضر: همان کشور معروف است»
- ۹۵ «مِضرأ: هر جایی»
- ۹۸ «نُکِر... و مُنْکِر»
- ۹۹ «فرق بین دو کلمه»
- ۹۹ «النُّکِر در قرآن»
- ۱۰۳ «معنی مُنْکِر در قرآن»
- ۱۰۵ «نَفَدَ و نَفَذَ»
- ۱۰۸ «مَسَّ... و... لَمَسَ»
- ۱۰۹ «الْمَسَّ در سیاق قرآنی: رفتار جنسی»
- ۱۱۲ «لَمَسَ در سیاق قرآنی به معنای دست زدن است»
- ۱۱۳ «لمس زن بیگانه وضو را می‌شکند»
- ۱۱۴ «باطل شمردن استعمال لمس برای جماع»
- ۱۱۷ «الکُزَه... و... الکُزَه»

- ۱۱۷..... «الْكُزَّة: مشقت مرغوب»
- ۱۲۰..... «كُزَّة: اکراه و زور»
- ۱۲۵..... «الجَنَم... و... الجَنَد»
- ۱۲۵..... «الجَنَم: بدنی که در آن حیات و زندگی است»
- ۱۲۶..... «جسد: بدن در حالی که یک جثه‌ی بی‌جان است»
- ۱۳۰..... «الدُّنُوب... و... الدُّنُوب»
- ۱۳۳..... «شَرَّ... و... اشترى»
- ۱۳۳..... «شَرَّ: به معنای فروخت»
- ۱۳۴..... «اشترى معناه آمد»
- ۱۳۶..... «باء مع ضه در بین نفسی و اشترى»
- ۱۳۸..... «الغمی... و... نعم»
- ۱۴۱..... «استأنس... و... استاذن»
- ۱۴۱..... «استأنس: انس نفسی و روانی»
- ۱۴۲..... «استاذن: اجازه‌ی فیزیکی»
- ۱۴۳..... «فرق در میان آنها از دو وجه است»
- ۱۴۶..... «الفِئْتَةُ... و... الفِئْتَان»
- ۱۴۶..... «الفِئْتَةُ: جوانان مؤمن»
- ۱۴۷..... «فِئْتَان: خدمت کاران»
- ۱۴۹..... «الأمن... و... الأمانة»
- ۱۴۹..... «الأمن: طمأنینه و آرامش با زوال سبب ترس»
- ۱۵۱..... «الأمانة: طمأنینه و آرامش با وجود علت ترس»
- ۱۵۴..... «الرَّوْع... و... الرَّوْع»
- ۱۵۷..... «السَّلْم، السَّلْم و السَّلْم»
- ۱۵۷..... «السَّلْم: اسلام»
- ۱۵۹..... «السَّلْم: تمایل به تسلیم شدن»
- ۱۶۱..... «السَّلْم: تسلیم شدن خفت بار»

- ۱۶۵..... «خلاصه»
- ۱۶۶..... «الفوت: فاعلی که در قرآن همیشه مؤخر می‌آید»
- ۱۶۸..... «چرا فوت فاعل است؟»
- ۱۶۸..... «حکمتی روانی از تأخیر فاعل»
- ۱۷۰..... «هدیه در قرآن رشوه است»
- ۱۷۰..... «ملکه‌ی سبأ سعی می‌کند به سلیمان علیه السلام رشوه بدهد»
- ۱۷۲..... «سلیمان علیه السلام فراتر از رشوه است»
- ۱۷۴..... «آشنا: بی سرزمین مقدس»
- ۱۷۷..... «از اشارات آیات»
- ۱۷۸..... «از مظاهر است در سرزمین مقدس»
- ۱۸۰..... «التألیف در قرآن»
- ۱۸۰..... «فعل ماضی: أَلَفَ»
- ۱۸۲..... «از دلالت‌های فعل أَلَفَ»
- ۱۸۵..... «الشَّكْوَى فقط به درگاه خدا»
- ۱۸۶..... «الشَّكْوَى: دو بار در قرآن آمده است»
- ۱۸۹..... «صَفَتْ قُلُوبُنَا»: انسان چند قلب دارد؟
- ۱۹۱..... «حکمت از جمع قلوب»
- ۱۹۳..... «نون تأکید خفیفه در قرآن»
- ۱۹۳..... «نون تأکید خفیفه دو بار آمده است»
- ۱۹۵..... «یک عَسَى در قرآن که واقع نشده است»
- ۱۹۷..... «کاذب در قرآن»
- ۱۹۹..... «اثبات نفی و نفی آن اثبات است»
- ۲۰۰..... «یوسف علیه السلام»
- ۲۰۰..... «او قصد زن عزیز را نمود»
- ۲۰۱..... «قصد یوسف علیه السلام در مورد او قصد فحشا نبود»
- ۲۰۲..... «قصد زدنش را هم نمود»

- ۲۰۳..... «دلایل نفی قصد به طور کلی از او»
- ۲۰۵..... «يَا فُكُون: منی بر معلوم»
- ۲۰۶..... «الإفك: قلب، صرف و برگرداندن»
- ۲۰۸..... «إفك دروغ است»
- ۲۰۹..... «يُؤْفَكُون: صیغه مجهول»
- ۲۱۰..... «نمت از حذف فاعل»
- ۲۱۲..... «ج: و نه مریم از «القائین» (مذکر) بود؟»
- ۲۱۳..... «حکمت از استعمال مذکر به جای مؤنث»
- ۲۱۵..... «مذکر آوردن: اِنْ جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ»
- ۲۱۵..... «توجیه نحوی»
- ۲۱۶..... «حکمت، حرکی، جهادی است»
- ۲۱۸..... «ایمان مؤکدی که محقق نشد!»
- ۲۱۹..... «ایمان نصرانی به عیسی پذیرفته شده است»
- ۲۲۱..... «فرعون به وعده‌اش با موسی کذب خیانت کرد»
- ۲۲۲..... «مشرکان قسم دروغ می‌خورند»
- ۲۲۳..... «ایمان صادق نیاز به تأکید ندارد»
- ۲۲۵..... «ایمان مُمَيِّز و مُمَيِّز»
- ۲۲۷..... «برخی از دلالت‌های آیات»
- ۲۲۸..... «ایمان، مُمَيِّز و مُمَيِّز است»
- ۲۳۰..... «دو مرحله برای ایمان: به، سپس لَه»
- ۲۳۲..... «الإيمانَ به: تصدیق کردن او»
- ۲۳۲..... «الإيمانَ لَه: پیروی کردن از او»
- ۲۳۵..... «جنگ انتقامی علیه مؤمنان»
- ۲۳۵..... «فرق بين الثَّمة و الإنتقام»

- ۲۳۶..... «النِّعْمَةُ در سیاق و روند قرآنی»
- ۲۳۸..... «النِّعْمَةُ توصیفی است برای جنگ کفار علیه مسلمانان»
- ۲۳۸..... «النِّعْمَةُ یک بیماری روانی وحشتناک است»
- ۲۴۰..... «قرآن التحار و خودکشی را به کافران تعلیم می‌دهد!»
- ۲۴۰..... «چگونگی التحار»
- ۲۴۲..... «مثال آوردن سگ و الاغ در قرآن»
- ۲۴۲..... «مثال سگ»
- ۲۴۴..... «مثال الاغ»
- ۲۴۷..... «نِیْمَةُ الْقَدَر: شب بیست و هفتم رمضان!»
- ۲۴۸..... «ابن کاتب قسمی خورد که آن شب بیست و هفتم است.»
- ۲۴۸..... «دو دلیل از بهره‌برداری از شمع کردن آن شب»
- ۲۵۰..... «گشت و گذاری سابع النِّعْمَةِ قرآن»
- ۲۵۰..... «همراه امام راغب با سه اصل در حرر النِّعْمَةِ»
- ۲۵۱..... «با النِّعْمَةِ در شکل فعلی آن»
- ۲۵۱..... «حکمت تعبیر به ماضی»
- ۲۵۱..... «دلالت اسنادش به خدای تعالی»
- ۲۵۲..... «معنی مستند کردن انعام به رسول»
- ۲۵۳..... «أَنْعَمَ وَ نَعَّمَ»
- ۲۵۴..... «نَعَّمَ: در سیاق و روند ذم آمده است»
- ۲۵۵..... «نسبت دادن نعمت به خدا»
- ۲۵۵..... «یک نسبت حقیقی»
- ۲۵۶..... «بهره‌ای که ما از این نسبت و اضافه می‌گیریم»
- ۲۵۷..... «ورود النِّعْمَةِ بدون این که مضاف باشد»
- ۲۵۸..... «آمدن آن در سیاق و روند انکار»
- ۲۵۹..... «آمدنش در روند و سیاق منفی»
- ۲۶۱..... «النِّعْمَةُ وَ التَّعْمَةُ»

- ۲۶۱..... «النَّعْمَةُ: اسم هیت است»
- ۲۶۱..... «النَّعْمَةُ: اسم مَرَّة است»
- ۲۶۲..... «نَعْمَةُ فرعون و قومش در وقت غرق کردنشان»
- ۲۶۴..... «المَكْدُوبُونَ أُولُو (النَّعْمَةِ)»
- ۲۶۶..... «النَّعْمَةُ و النَّعْمَاء»
- ۲۶۷..... «النَّعْمَاء در مقابل الضَّرَاء»
- ۲۶۸..... «نعم - الأنعم»
- ۲۶۹..... «نعم شامل نعمت‌های ظاهر و باطن می‌شود»
- ۲۷۰..... «الأنعم: من نعمت‌های ظاهری است»
- ۲۷۲..... «النَّعْم و النِّعَم»
- ۲۷۲..... «فرق بین این دو کلمه»
- ۲۷۳..... «الأنعام: نعمت‌های ظاهری»
- ۲۷۴..... «الأنعام هشت جفت هستند»
- ۲۷۵..... «الأنعام و النِّعَم»
- ۲۷۵..... «النِّعَم: شتر»
- ۲۷۸..... «النَّعْمَةُ و النِّعِيم»
- ۲۷۸..... «النِّعِيم: نعمت بهشت است»
- ۲۷۹..... «معنی: لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»
- ۲۸۰..... «سؤال برای تمسخر و استهزا است»
- ۲۸۰..... خاتمه
- ۲۸۳..... «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنُسْتَهْدِيهِ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا،
وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ،
وَالشَّهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،
صَلَّى اللَّهُ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ.

اما

قرآن - وی، گنج‌های فراوانی از اشاره‌ها، نشانه‌ها، نکته‌ها، علائم،
مفاهیم، حقایق و دلالت‌هاست.

علما به قرآن - ری می‌آوردند و از نکته‌ها، مفاهیم و حقایقی که
خداوند در اختیارشان می‌گذارد لذت می‌برند.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در توصیف قرآن راست
گفت آن‌جا که بیان کرد: «در آن اخبار یشتانان، اخبار آیندگانان و
حکم آن‌چه در میانان اتفاق می‌افتد، هست. هر که رتندی که آن‌را
ترک کند، خداوند او را می‌شکند و هر کس هایت را در غیر از آن
بجوید، خداوند او را گمراه می‌کند. آن ریسمان مستحکم‌خواه، ذکر
حکیم و صراط مستقیم است. هوا و هوس‌ها آن‌را از راه
نمی‌کشند، زبان‌ها در مورد آن ملتبس نمی‌شوند، علما از آن سیر
نمی‌گردند، پاسخ زیاد به آن، کهنه‌اش نمی‌کند، عجایش پایان‌ناپذیر
است، کسی که آن‌را بگوید راست گفته، کسی که به آن عمل کند

مأجور است، کسی که به آن حکم کند عدل کرده، کسی که به سوی آن فرا خواند به راه راست هدایت شده است.»

تدبر در آیات قرآن کریم و لذت بردن از نکته‌ها و اشاراتش نعمت سرشاری از جانب نعمت دهنده‌ی بزرگوار است، نعمتی که قدرش را نمی‌داند مگر کسی که آن را بچشد، نعمتی که عمر را بالا می‌برد و آن را بابرکت و پاک می‌کند.

قرآن کریم محبوب، ارزشمندترین چیزی است که به آن نگاه می‌شود، رحمت در راه آن صرف می‌شود و پیرامون آن بحث‌ها و پژوهش‌ها انجام می‌گیرد.

تلاوت، حفظ، نگاه کردن به قرآن، تدبر در آن و تفسیرش عبادت است. هم‌چنین سخن گفتن درباره‌ی آن، نمایش دادن حقایق، دلالت‌ها و نکته‌هایش عبادت محسوب می‌شود. دعوت مردم به سوی آن، زندگی در سایه‌ی آن و پیاده کردن ارشادات آن عبادت است. هم‌چنین حرکت کردن به وسیله‌ی آن در وضوح موجود و رویارویی و جهاد به وسیله‌ی قرآن علیه جاهلیت عبادت است و هر چه به قرآن ربط دارد عبادت خدای سبحانه و تعالی به حساب می‌آید.

من هرازگاهی نظراتی در شیوه‌ی قرآن و توفف‌هایش را برابر آیات و کلمات قرآن داشتم و از آن چه خداوند به وسیله‌ی آن مرا گرامی داشت لذت بردم، از جمله درک برخی از اشارات، نشانه‌ها و نکته‌هایش.

در سخنرانی‌های آکادمیک و درس‌های تفسیر عمومی درباره‌ی

برخی از دست آورده‌هایم سخن می‌گفتم. شنوندگان از آن خوششان می‌آمد و نسبت به قرآن شگفت زده‌تر و نسبت به علم مفاهیم و تدبیر شیوه‌اش آزمندتر می‌شدند.

دوست داشتم که برخی از آن نکته‌ها و نشانه‌ها را تقدیم کنم و در برابر تعداد بیشتری از دوستداران و تدبرکنندگان قرآن به نمایش بگذارم. که تبدیل به این رساله‌ی «نکته‌های قرآنی» شد. حلقه‌ای از حلقه‌های کتاب خانه‌ی قرآن که آن را تحت عنوان «گنج‌های قرآن» تقدیم می‌کنم.

پیشگفتار برای این نکته‌ها قرار دادم که در آن درباره‌ی تدبیر در قرآن و پدیده‌های نسبت به آن و معانی فراوان آن سخن گفتم، به گونه‌ای که علما از آن سیرانی شوند و شگفتی‌هایش پایان ناپذیر است.

در پیشگفتار اشاره کردم که معاصران و آیندگان شاید به نکته‌ها و حقایقی از قرآن برسند که گذشتگان از اعلام به آن نرسیده‌اند. چه نکته‌های زیادی که گذشتگان برای آیندگان رها کرده‌اند.

دروازه‌ی تفسیر را نمی‌شود بست و باید در هر نسلی، یک مفسر - یا بیشتر - برای کلام خداوند ظهور کند و اهل هر عصری نیازها، دغدغه‌ها، آرمان‌ها، اهداف و مشکلات خاص خودشان را دارند و در قرآن چیزهایی را که دنبالش هستند خواهند یافت.

علم تفسیر یک علم زنده، پویا و پیش رو است. مثل بعضی از

علوم «سوخته»ی اسلامی نیست که به لحاظ بحث و بررسی اشباع شده و عرصه‌ای برای افزایش‌های اساسی در آن‌ها نیست، مانند علم میراث، علم اصول فقه، علم اصول نحو و غیره.

در این رساله «پنجاه» نکته از نکته‌های مختلف و متنوع قرآنی تقدیم کردم.

آن‌ها را با «چهار» نکته پیرامون قرآن و ترتیب سوره‌ها آغاز کردم. نکته‌ی نام گذاری کلام خدا با دو اسم «قرآن» و «کتاب» را ابتدا آوردم، نکته‌ی بعدی درباره‌ی کلمه‌ی «قرآن» مضاف به کلمه‌ی بعد از آن، نکته‌ی سوم درباره‌ی ترتیب سوره‌هایی که با حروف مقطعه شروع می‌شود و نکته‌ی چهارم ترتیب سوره‌هایی که با تسبیح شروع می‌شود. سپس «نه» نکته پیرامون پدیده‌هایی که در بعضی از حروف قرآنی ظاهر می‌شود، آوردم و حرف قرآنی را توصیفی نمودم که از مفهوم و اشاره‌ی آن فهمیم. در مورد واو ثمانیه، لام اخلاص، لام تبلیغ، هاء رفعت، هاء خفض، تاء نعت، ف عزت و یاء ذلت صحبت کردم.

سپس به کلمات قرآنی منتقل شدم که در سکن، ترکیب، ساختار و مفهوم نزدیک هم هستند و نگاه‌های نحوی، بلاغی و سلیقه‌ای به سیاق قرآنی آن‌ها نمودم و در راستای ابراز فرق‌هایی که کوشیدم و نکته‌هایی تقدیم کردم که در آن‌ها فرق‌هایی را که ملاحظه نمودم، بیان کردم.

این کار را کردم تا به طور خلاصه دلیل بیاورم که «ترادف» در

قرآن نیست و باید فرقی در میان کلماتی که دیگران فکر می‌کنند مترادف هستند باشد و اگر آنان کمی خودشان را خسته و ذهنشان را به کار بیندازند آن فرق‌های دقیق را در میانشان احساس می‌کنند.

پژوهشگران باریک‌بین گذشته در مورد این موضوع سخن گفته‌اند و مترادف در کلمات قرآن را رد کرده‌اند. در مقدمه‌ی این‌ها عالم قرآنی بی‌نظیر شگفت‌انگیز «راغب اصفهانی» که کتاب خاصی در مورد فرق‌های میان کلمات قرآن که نزدیک هم هستند، نوشت، ولی آن کتاب به مانوسیده و از جمله کتاب‌های گذشتگان است که از بین رفته است.

از آن جمله امام حکیم ترمذی که رساله‌ای به نام «الفروق فی اللفظ و منع الترادف» تألیف کرد که در مصر چاپ شد.

دکتر «عایشه عبدالرحمن» - بنت شائعی - مشارکت خوبی در این موضوع دارد. از آن جمله کتاب جالبش «الإعجاز الیانی للقرآن».

کلمات «متضاد»، «متکافی» و هم سطح را «تقارب و نزدیک به هم» در قرآن وجود دارند، ولی کلمات «مترادف» وجود ندارد.

پانزده نکته پیرامون این کلمات تقدیم کردم که در آنجا در بیان مِيت و مِيت، مِصر و مِصرأ، نُکر و مُنکر، نَفَد و نَقَد، مَس و مَسَارَة و گره، جِسم و جَسَد، ذُنُوب و ذُنُوب، شَری و اشْری، عَمی و عَمَه، کَاس و استَأَذَن، فِتیة و فِتیان، اَمَن و اَمَنَة، رُوع و رُوع، و السَّلَم و السَّلَم و السَّلَم فرق گذاشتم.

سپس «بیست و یک» نکته پیرامون آیات قرآن بیان کردم که

بعضی متعلق به یک پدیده است، بعضی متعلق به سیاق و روند گفتار، بعضی متعلق به مصطلح، بعضی متعلق به حقیقت، قاعده، دلالت و یا غیره است.

مثل حکمت این که چرا «الموت» همیشه فاعل و مؤخر است، استخدام هدیه به معنای رشوه، تخصیص برکت به سرزمین مقدس، تألیف در میان قلوب، حصر شکوی به خدای تعالی، جمع دو قاب برای دو همسر رسول الله، دو نون تأکید خفیفه، عسی که محقق نشده، کاد که ننی آن اثبات و اثباتش نفی است، نفی «هم» از یوسف علیه السلام، «یا قُورَن» معنای یکدُیون، یُوفُکُون به معنای یُعْرِضُون، قرار دادن مریم از «القائِلَ» تذکیر فعل «جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ»، ایمان مؤکدی که محقق نشد، ایمانی که به عنوان تمیز آمده، ایمان به رسول که قبل از ایمان به اوست، «بِقَمَّة» که صفت بنگ کفار علیه مسلمانان است، آموزش انتحار به کافر توسط قرآن، مثال سگ و الاغ برای عالم بد و مشخص کردن شب قدر به شب بیست و نهم ماه رمضان.

نکته‌ی «پنجاهم» را به سفری سریع با اصطلاح «النَّعْمَة» در سیاق و روند گفتار قرآنی اختصاص داده که در آن به فرقه‌های این اشتقاق و تصریفات این مصطلح پرداختم و چند نکته بیان کرده هدف من از این گشت و گذار سریع با اصطلاح «النَّعْمَة» این بود که الگوی مختصری از تفسیر موضوعی را در برابر خوانندگان قرار دهم. در این تفسیر، تفسیرگر اصطلاحی از اصطلاحات قرآن و مفردی

از مفردات قرآن را در تمام سیاق‌های قرآنی دنبال می‌کند و به دلالت‌ها، مفاهیم، نکته‌ها، شگفتی‌ها، حقایق و توجیهات آن می‌پردازد. گشت و گذار با هر اصطلاح قرآنی لذت بخش و شگفت‌انگیز است که انسان از این گشت و گذار با توشه‌ی بزرگ، نتیجه‌ی وافر، علم زیاد و فواید نافع باز می‌گردد.

«اذن، کمک و توفیق خدای تعالی نیت دارم که با مفردات قرآن حرکت و با اصطلاحات قرآن گردش کنم و در شیوه و سیاق قرآن به گشت و گذار بپردازم و آن چه از این ثمرات قرآنی و فواید تفسیری پیدا کرده و بهره می‌برم به خوانندگان بزرگوار تقدیم کنم. ان شاء الله این کار را در سلسله‌ی دیگری مختص تفسیر موضوعی در قرآن انجام می‌دهم، هر اصطلاح - یا اصطلاحات نزدیک را - در رساله‌ی خاصی جداگانه آورم. از خداوند کمک و توفیق را استمداد می‌جویم.

من که این نکته‌ها را برای خوانندگان برگزیده تقدیم می‌کنم از آن‌ها می‌خواهم که ملاحظاتشان را برای من بیان کنند، چون نقص، ضعف و اشتباه از صفات بشر است.

این کار را فقط به خدا تقدیم می‌کنم و فقط از انوار و اجر می‌خواهم و از او می‌خواهم که قرآن را بهار دل‌هایمان، نور سینه‌هایمان و باعث دور شدن غم‌ها و از بین رفتن اندوه‌هایمان قرار دهد و تلاوتش را در طول شب و روز به ما عنایت کند و آن چه از آن نمی‌دانیم به ما آموزش دهد و آن چه از آن فراموش کردیم برای ما

یادآور شود و آن را حجت ما در روز قیامت قرار دهد.

وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله و صحبه وسلم.

دکتر صلاح عبدالفتاح خالدی

صوبلح - ص. پ: ۶۶۹

۱۴۱۱/۲/۱۹ هـ ق = ۱۹۹۰/۹/۹ م

www.ketab.ir